

«نامه‌هایی از پراگ» به بازار رسید

کتاب «ملکه آلبا» راهی بازار نشر شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، کتاب «ملکه آلبا» نوشته پرویز دوائی به‌تازگی توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب بیست‌وسومین عنوان از مجموعه «جستارها» است که این‌ناشر منتشر می‌کند.

این کتاب، ششمین کتاب از مجموعه «نامه‌هایی از پراگ» است که سال‌ها در قالب سرمقاله‌های مجله «جهان کتاب» چاپ می‌شوند و پیش از این، در پنج کتاب «درخت ارغوان»، «به خاطر باران»، «روزی تو خواهی آمد»، «خیابان شکرچیان» و «از وقتی که تو رفتی...» هم منتشر شده‌اند.

غربت، هنر، فرهنگ و تاریخ ایران و اروپا، نوستالژی‌های شهر تهران، ادبیات، هنر به ویژه فیلم و سینما، طبیعت، معجزه فصل‌ها و رنگ‌ها، تهران دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰، خیابان‌ها، گردشگاه‌ها و پاتوق‌های فرهنگی، یادهای کودکی و دبستان، معلم‌ها و همکلاسی‌ها، سرگرمی‌های کودکان، دلبستگی‌ها و شادی‌های جوانی و ... از جمله موضوعاتی هستند که دوائی در کتاب‌های پیشین این مجموعه به آن‌ها پرداخته و در کتاب جدید هم درباره‌شان نوشته است.

ایرج پارسی‌نژاد درباره مجموعه «نامه‌های پراگ» دوائی نوشته است: «این نوشته‌ها یک «نوع» (نمی‌گویم ژانر) تازه‌ای است در ادبیات معاصر ما. برداشت‌های حسی از خاطره‌هایی با خیال آمیخته که خاص شخص نویسنده‌اش است. یعنی اصالت دارد. سرشار است از شور و شیدایی و ظرافت و زیبایی. و سخت خیال‌انگیزتر و دلنشین‌تر از آنچه در این سال‌ها به صورت «شعر منثور» از مدعیان شاعری می‌خوانیم. تعبیراتش جاندار و غریزی و گرم و پُر از حس و حیات است. نه مثل این ناله‌های سرد و تلخ و تاریک و سرشار از شکوه و شکایت از تنهایی و جدایی و جفای روزگار که نمی‌توانند هیچ حسی را القا کنند.»

کتاب «ملکه آلبا» با مطلب کوتاهی به قلم مجید رهبانی مدیر انتشارات جهان کتاب آغاز می‌شود که با عنوان «برای خالی‌نبودن عریضه» چاپ شده و مقدمه‌ای کوتاه محسوب می‌شود. «باغ آلبالو»، «عصر بی‌گناهی»، «ملکه آلبا»، «سلام، یاسمین»، «کوی بنفشه»، «دلارا»، «دنیای پر امید»، «ماریا»، «سفر سیزده» و «من، احمد» عناوین نامه‌هایی هستند که در این کتاب چاپ شده‌اند.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

... مبهوت و از خودگسسته نگاهش می‌کردم با همه قوت قلب و چشم. ندیده بودم، نبود، نداشتیم، چندبار بگویم؟ در حدی خیره‌کننده زیبا بود. آدم باید نفسش را حبس می‌کرد که مبادا این تصویر آملی، مثل خوابی از هم بگسلد. می‌آمد و بر نیمکت گوشه اتاق کنارم می‌نشست، قدری کج که بتوانیم به هم نگاه کنیم. هرگز در سابقه عمر عیثم، از فاصله‌ای چنین نزدیک، نزدیک‌تر از حد باور، در چهره و چشمانی این چنین زیبا که نگاه به آن ضربان قلب را بالا می‌برد، بدون شرم و پرهیز خیره نشده بودم. و این در حالی بود که زمانی اگر آدم از کشی خوشش می‌آمد حتی از نگاه کردن به سمتی که او ایستاده بود به شکل مسخره‌ای خودداری می‌کرد... حال همه آگاهی‌های قبلی و معیارهای زندگی گذشته تا این لحظه از ذهنم شسته شده بود، و این به نیروی با برکت وجود او بود که در برابرش یادها محو می‌شدند. تولد جدیدم جایی از این لحظه‌ها آغاز می‌شد و هر روز خدا، جشن اولین روز بقیه عمرم بود. به این‌ور و آن‌ورش کاری نداشتم و اصلاً در برابر حضور او و نگاه او، گذشته به ذهنم، خدا را شکر، راه نداشت.

این کتاب با ۱۱۲ صفحه، شمارگان ۷۰۰ نسخه و قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

منبع: مهر